



پنجره‌های تشنه

پنجره‌های تشنه، عنوان تازه‌ترین اثر منتشر شده توسط مهدی قزلی است که شرحی است بر آنچه در جریان سفر 18 روزه انتقال ضریح مطهر حرم امام حسین (ع) از قم به کربلا گذشته است.

نویسنده: مهدی قزلی ناشر: سوره مهر

خبرگزاری مهر - پنجره‌های تشنه، عنوان تازه‌ترین اثر منتشر شده توسط مهدی قزلی است که شرحی است بر آنچه در جریان سفر 18 روزه انتقال ضریح مطهر حرم امام حسین (ع) از قم به کربلا گذشته است.

این کتاب، روزنوشت‌های مهدی قزلی از چگونگی همراه شدن با این کاروان و آنچه در طول این 18 روز دیده است را شامل می‌شود که در نوع خود تجربه‌ای بکر و تکرار ناپذیر به نظر می‌رسد.

روایت قزلی در این کتاب که چندی پیش و در مراسم مفصلی در حوزه هنری رونمایی شد، روایتی است جزیی‌نگر و بسیار ساده که نمایانگر وسواس نویسنده در مورد ثبت جزیی‌ترین رفتارهای و رویدادهایی است که در طول این سفر رخ داده است.

قزلی در این کتاب سعی کرده است به رسم مالوف سفرنامه‌نویسی در ادبیات کهن ایران، در کنار شرح سفرش و موقوف پیرامونی آن گاه با توصیفات کوتاه و کنایه‌ها و زخم زبان‌هایی نیز زبان باز کند که از نگاه مدیران و مسئولان شهری و کشوری تا پیش از آن دور مانده و یا مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته است.

نویسنده این کتاب با وجود تلاش فراوانی که برای خلق نثر و ادبیاتی شبیه نثر و ادبیات آل‌احمد در تک‌نگاری‌هایش داشته است در این اثر بیش از هر چیز به نثر و ادبیات منحصر به خود نزدیک شده است که می‌شود به سادگی رد پای خو او را در آن دید. به عبارت دیگر پنجره‌های تشنه بیش از هر چیز نمایش‌دهنده سبک یادداشت‌نویسی قزلی است که به دلیل محتوای معنوی خود برای عموم مخاطبان می‌تواند بسیار قابل اعتنا و توجه باشد.

این کتاب در کنار متن خود از کتابسازی ویژه‌ای نیز بهره می‌برد. جلد این کتاب نمادی است از پنجره‌های ضریح اماکن متبرک که به دلیل الصاق یک صفحه پلاستیکی ویژه روی جلد جذابیت خاص دارد. همچنین انتخاب نوع کاغذ ویژه برای انتشار این اثر در کنار حساسیت به خرج داده شده برای چاپ کتاب نیز از دیگر مواردی است که بر جذابیت این اثر افزوده است.

جدای از این، پیوست مجموعه‌ای از تصاویر تمام رنگی از کاروان حمل ضریح حرم امام حسین (ع) به انتهای این کتاب به آن جلوه و نمای ویژه‌ای بخشیده است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم:

رسیدیم به روستای نهر میان. مردم یا حسین‌گویان می‌دویدند سمت ضریح، انگار که بخواهند تریلی را فتح کنند. چند دقیقه ایستادیم و موقعی که تریلی داشت حرکت می‌کرد، به مردم می‌گفتم لبه حفاظ را ول کنند که یک وقت زمین نخورند. پسر جوانی سماجت می‌کرد. گفتم: پسر جان ول کن الان زمین می‌خوری. پسر که فهمید دیر یا زود باید تریلی را رها کند به من گفت: ببین من فرشادم، من را به اسم دعا کن کربلا. بعد تریلی را ول کرد. داشتیم دور می‌شدیم که داد زد: فرشاد... یادت نره. همانجا نشست به گریه کردن و کف دستش را کوبید زمین. دور می‌شدیم و فرشاد نشسته بود کنار جاده. من هم نشستم پشت تریلی به گریه. حاضر بودم همه چیز را بدهم جایم را با فرشاد عوض کنم.

پنجره‌های تشنه را انتشارات سوره مهر با قیمت 29500 تومان منتشر کرده است.